



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: میراث الأزواج / ارث الزوجة

بچثمان با توفیق پروردگار در میراث زوجه بود، عرض کردم روایات مربوط به این بحث در باب ۶ از ابواب میراث الأزواج و مسائل الشيعة ذکر شده و کلاً صاحب وسائل هفده خبر در این باب ذکر کرده که تعدادی از آنها را خواندیم، بعضی از آنها معلل هستند یعنی علت حکم در آنها ذکر شده من جمله خبر دوم و سوم باب.

خبر دوم باب ۶: ﴿وَعَنْهُمْ، عَنْ سَهْلٍ، وَعَنْ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلَا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرِثُ الْمَرْأَةُ الطُّوبَ وَلَا تَرِثُ مِنَ الرَّبَاعِ شَيْئًا قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ تَرِثُ مِنَ الْفِرْعِ وَلَا تَرِثُ مِنَ الرَّبَاعِ شَيْئًا؟ فَقَالَ: لَيْسَ لَهَا مِنْهُ نَسَبٌ تَرِثُ بِهِ وَإِنَّمَا هِيَ دَخِيلٌ عَلَيْهِمْ فَتَرِثُ مِنَ الْفِرْعِ وَلَا تَرِثُ مِنَ الْأَصْلِ وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ دَاخِلٌ بِسِبْهَائِهِ﴾.<sup>۱</sup>

خبر سوم باب ۶: ﴿وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ قَالَ: لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ مُيَسَّرِ بَيْعِ الزُّطِيِّ (زُطٍ پارچه ای بوده که از سودان می آوردند و فروشنده آنها را بیع الزطی می گفتند)، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ مَا لِهِنَّ مِنَ الْمِيرَاثِ؟ قَالَ: لِهِنَّ قِيَمَةُ الطُّوبِ وَالْبِنَاءِ وَالْخَشْبِ وَالْقَصْبِ (یعنی آن تأسیساتی که در زمین ایجاد می شود)، فَأَمَّا الْأَرْضُ وَالْعَقَارَاتُ فَلَا مِيرَاثَ لِهِنَّ فِيهِ قَالَ: قُلْتُ: فَالْبِنَاتُ؟ قَالَ: الْبِنَاتُ لِهِنَّ نَصِيبُهُنَّ مِنْهُ قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ صَارَ ذَا وَلِهَذِهِ الثَّمَنُ وَلِهَذِهِ الرَّبْعُ مَسْمُومٌ؟ قَالَ: لِأَنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ لَهَا نَسَبٌ تَرِثُ بِهِ وَإِنَّمَا هِيَ دَخِيلٌ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا صَارَ هَذَا كَذَا لِثَلَا تَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةُ فَيَجِيءُ زَوْجُهَا أَوْ وَلَدُهَا مِنْ قَوْمٍ آخَرِينَ فَيَزَاحِمُ قَوْمًا آخَرِينَ فِي عَقَارِهِمْ﴾.<sup>۲</sup>

عرض کردم بعضی از اخبار باب ۶ نیز از اصحاب مهم و بزرگ ائمه علیهم السلام نقل شده اند.

خبر آخر این باب از صفار نقل شده، محمد بن حسن صفار صاحب کتاب بصائر الدرجات یکی از علماء بسیار بزرگ می باشد که حضرت عسکری علیه السلام را نیز درک کرده، خبر این است: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ فِي (بصائر الدرجات) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي مَخْلَدٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: دَعَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكْتَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَ بِهِ جَعْفَرٌ مِثْلَ فَخْذِ الرَّجُلِ مَطْوِيًّا فَإِذَا فِيهِ: "أَنَّ النِّسَاءَ لَيْسَ لِهِنَّ مِنْ عَقَارِ (أَرْضِي) الرَّجُلِ إِذَا تَوَفَّى عَنْهُنَّ شَيْءٌ"، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا وَاللَّهِ خَطَّ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبِيدُهُ وَإِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ﴾.<sup>۳</sup>

شیخ طوسی عن محمد بن حسن صفار فی بصائر الدرجات که بسیار مهم و موثق و از طبقه ۸ می باشد عن محمد بن الحسين که موثق است و در جلد ۱۱ معجم رجال حدیث نیز توثیق شده عن جعفر بن بشیر که موثق است عن حسین بن ابی مخلد که مهمل است عن عبد الملك بن عتبه که موثق می باشد.

خلاصه از نظر استحکام و قدرت مطلب شکی وجود ندارد. مطلب دیگر در مورد خبر ۸ و ۱۱ از این باب ۶ می باشد، خبر هشتم این است: ﴿وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ، عَنْ شَعِيبٍ، عَنْ يَزِيدِ الصَّائِغِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ يَرِثُنَّ مِنَ الْأَرْضِ؟ فَقَالَ: لَا وَلَكِنْ يَرِثُنَّ قِيَمَةَ الْبِنَاءِ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ لَا يَرْضُونَ بِذَا قَالَ: إِذَا وَلِينَا فَلَمْ يَرْضُوا ضَرِينَاهُمْ بِالسُّوْطِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَقِيمُوا ضَرِينَاهُمْ بِالسِّيفِ﴾.<sup>۴</sup>

خبر سنداً صحیح می باشد. خبر یازدهم باب این است: ﴿وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ ابْنِ رِبَاطٍ، عَنْ مِثْنَى، عَنْ يَزِيدِ الصَّائِغِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ النِّسَاءَ لَا يَرِثُنَّ مِنَ رِبَاعِ الْأَرْضِ شَيْئًا وَلَكِنْ لِهِنَّ قِيَمَةُ الطُّوبِ وَالْخَشْبِ

<sup>۳</sup> وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۱۸، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۱۷، ط الإسلامية.

<sup>۴</sup> وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۱۹، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۸، ط الإسلامية.

<sup>۱</sup> وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۱۸، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۲، ط الإسلامية.

<sup>۲</sup> وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۱۸، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۳، ط الإسلامية.

رضا الوارث وإعطاء العين فيما عدا الأرض، وبإعطاء العين أو القيمة من الأرض.<sup>۶</sup>

خبر سنداً صحیح است.

خب و اما این خبر با آن ۱۷ خبر که در باب ۶ بودند معارض می باشد لذا با توجه به مباحث تعادل و تراجیح باید این تعارض را بر طرف کنیم.

خبر دوم از این باب ۷ که دقیقاً بر قول علامه و محقق دلالت دارد این خبر است: ﴿وباسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن ابن أذينة في النساء إذا كان لهن ولد أعطين من الرباع. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن أبي عمير.

أقول: ويدل على ذلك عموم الآيات والروايات وإطلاقها.<sup>۷</sup>

خبر سنداً صحیح است و ابن اذینه را نیز ما توثیق کرده ایم.

علامه و محقق از بزرگان حوزه علمیه حله می باشند، وقتی حضرت امیر علیه السلام برای جنگ با معاویه از کوفه به طرف شام و سرزمین صفین حرکت کردند در بین راه سه جریان اتفاق افتاد؛ اول وقتی به مدائن پایتخت ساسانیان رسیدند، دوم وقتی به کربلاء رسیدند، و سوم وقتی به یک بیابان وسیعی رسیدند که حضرت امیر علیه السلام به بالای تپه ای رفتند و شروع به صحبت کردند اما لشکر دیدند کسی آنجا نیست و از حضرت پرسیدند با چه کسی سخن می گوئید؟! حضرت فرمودند اینجا حوزه ای برپا خواهد شد بنام حله که در آن رجال و علماء و فقهای بوجود خواهد آمد و بعدها وقتی آل بویه بر عراق تسلط پیدا کردند حوزه حله را ساختند که بنی طاووس و علامه و محقق همگی از فقهاء بزرگ حوزه حله می باشند.

حالا ما باید وارد بحث بشویم و تعارض بین این خبر که مورد استدلال علامه و محقق است با آن هفده خبر مذکور در باب ۶ را حل کنیم إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

قال: فقلت له: إن الناس لا يأخذون بهذا فقال: إذا وليناهم ضربناهم بالسوط، فإن انتهوا وإلا ضربناهم بالسيف عليه.<sup>۵</sup>

در این دو خبر با صراحت ذکر شده که اگر قدرت و حکومت در دست اهل بیت علیهم السلام بود عامه را با تازیانه و در صورت لزوم با شمشیر می زدند تا حکم خدا اجراء شود.

خب و اما با توجه به اخبار اهل بیت علیهم السلام مطلب برای ما روشن شد منتهی می بینیم که چند نفر از فقهاء بزرگ ما مثل محقق در شرایع و علامه در قواعد بین مرثه ذات ولد و غیر ذات ولد فرق گذاشته و فرموده اند این احکام مربوط به غیر ذات ولد می باشد و اما مرثه ذات ولد از کل ترکه شوهرش ارث می برد ولی کلام فقهاء معاصر مثل امام و آقای بروجردی و آقای گلپایگانی و آقای خوئی رضوان الله علیهم اجمعین را خواندیم و گفتیم که اینها و همچنین ما تفاوت و تفصیلی قائل نشده اند، حالا ما باید ببینیم که چطور این دو نفر از فقهاء بزرگ ما چنین تفصیلی قائل شده اند.

از نظر اصولی عام قرانی "مما ترکتم" باید تخصیص بخورد که مخصص ما دو دسته از اخبار هستند، یک دسته دلالت دارند بر اینکه ارث زن به طور کلی اعم از اینکه ذات ولد باشد یا غیر ذات ولد این چنین است و دسته دوم می گویند این حکم مربوط به زن غیر ذات ولد است و إلا ذات ولد از کل ماترک ارث می برد.

علامه و محقق برای کلامشان به اخباری استدلال کرده اند که صاحب وسائل آنها را در باب ۷ از ابواب میراث الأزواج ذکر کرده، خبر اول از این باب ۷ این خبر است: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن أبان عن الفضل بن عبد الملك وابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً؟ أو يكون في ذلك بمنزلة المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟ فقال: يرثها وترثه من كل شيء ترك وتركت. ورواه الصدوق باسناده عن أبان مثله.

أقول: حملة الشيخ على التقية، وحملة أيضا هو والصدوق وغيرهما على ما إذا كان للمرأة ولد لما يأتي، ويمكن حملة على

<sup>۶</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۲۲، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۷</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۲۳، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۲۰، ابواب میراث الأزواج، باب ۶، حدیث ۱۱، ط الإسلامیة.